

بررسی آخرین ترجمه رمان بیگانه بر اساس سیستم تحریف متن آنتوان برمن

محمد رضا فارسیان^۱

نسرین اسماعیلی^۲

چکیده

امروزه با گسترش سریع علم و فن آوری و روابط فرهنگی، اقتصادی و ترجمه امری اجتناب ناپذیر است و مترجمان که در خط مقدم این دنیای ارتباط محور قرار دارند می بایست برای ارائه ترجمه با درصد خطای کم، با نظریات ترجمه آشنا باشند و به مدد این نظریات و با آگاهی کامل به حل مشکلات ترجمه، اقدام نمایند. در میان نظریه پردازان معاصر فرانسه در زمینه ترجمه شناسی آنتوان برمن ۱۳ گرایش انحرافی را مطرح کرده که مترجم با اعمال آنها سبب تحریف متن اصلی می شود. این پژوهش درصدد آن است که ترجمه کتاب "بیگانه" آلبر کامو توسط مهران زنده بودی را بر اساس هفت مورد از موارد سیستم تحریف از متن برمن بررسی نماید. بیگانه از برجسته ترین آثار این نویسنده است که مشهورترین اثر وی نیز در ایران به شمار می رود؛ چرا که تاکنون قریب به نه ترجمه از این کتاب به بازار آمده است. نگارندگان تلاش خواهند کرد تا انحرافات ایجاد شده را با ذکر مثال، تبیین و در مواردی ترجمه پیشنهادی را ارائه نمایند و در نهایت به این سوال پاسخ دهند که آیا "سیستم انحرافی" برمن در نقد ترجمه های فارسی کاربرد دارد یا نه؟

واژگان کلیدی: ترجمه - بیگانه - کامو - تحریف از متن - برمن.

مقدمه

با تقسیم بشریت به جوامع مختلف، زبان‌های گوناگونی پا به عرصه وجود گذاشتند در نتیجه انسان‌ها برای برقراری ارتباط با یکدیگر راهی بجز شناخت زبان‌ها نداشتند. پر واضح است که علم شناخت زبان برای همگان میسر نیست. اینجاست که علم ترجمه قدم به میان می‌گذارد و به مدد آن می‌توان از افکار نویسنده رمزگشایی کرد و آن را در قالب واژگان در اختیار مخاطب قرار داد. در واقع ترجمه یعنی انتقال معنای کلام از یک زبان به زبان دیگر با توجه به این که جمیع معانی و مقاصد منظور در متن اصلی را متضمن شود به حدی که گویی عین کلام را از لغتی به لغت دیگر منتقل کرده‌اند، با علم به اینکه نقل عین کلام از زبانی به زبان دیگر میسر نیست. (رضایی اصفهانی ۲۸) ویلس ترجمه را به معنای "پردازش" و "بازنویسی" متن می‌داند چرا که مترجم به منظور درک بهتر محتوای متن، ابتدا آن را تحلیل می‌کند و سپس در مرحله بعد، محتوا را در قالب متن مقصد بیان می‌کند. (72 Wills) ترجمه از نیاز به برقراری ارتباط شکل می‌گیرد و نیاز به برقراری ارتباط در دل هر زبانی یافت می‌شود. (زنده‌بودی ۵۳) و ترجمه خوب عبارت است از نزدیک‌ترین معادل در زبان مترجم برای مطلب مورد ترجمه، با حفظ مشخصات متن اصلی تا آنجا که ظرفیت زبان اول ایجاب می‌کند و عجیب و دور از ذهن نباشد (صفر زاده ۲۰-۲۱)

در قرن بیستم و همزمان با گسترش علم و دانش، ترجمه نیز گسترش پیدا کرد و نظریات مختلف ترجمه پدید آمد. ترجمه کنشی است که ریشه در ذهنیت مترجم دارد و بدون آشنایی با نظریات ترجمه نیز می‌توان ترجمه کرد اما نباید از مطمع نظر دور داشت که ترجمه شناسی ابزار فکری و مفاهیم لازم را برای درک هر چه بیشتر و بهتر کنش ترجمه در اختیار او قرار می‌دهد. این بدان معناست که هر چند ترجمه کنشی است مستقل، با این حال فراگیری نظریات ترجمه می‌تواند در بهبود کیفیت کار مترجم نقش تعیین‌کننده‌ای را ایفا کند. (زنده‌بودی ۶۷-۶۶) کورت لوین دانشمند شهیر حوزه روان‌شناسی اجتماعی می‌گوید: "هیچ چیز کاربردی تر از یک نظریه خوب نیست." (منصوریان ۴) نه تنها نظریات موجود برای مترجم امکان ترجمه اصولی متن مبداء را فراهم می‌کند، بلکه عرصه را برای نقد آثار ترجمه شده فراخ می‌کنند. به زعم نیومارک "نقد ترجمه اصلی‌ترین حلقه ارتباط میان نظریه ترجمه و عمل ترجمه است" و نقد ترجمه "یک تمرین لذت‌بخش و آموزنده است" (نیومارک ۲۳۹) و سبب احیای اثر می‌شود. یکی

از راهای نقد ترجمه بهره‌گیری از نظریات ترجمه است. در میان نظریه پردازان ترجمه آنتوان برمن، مترجم و مولف مشهور فرانسوی، تأثیر بسیاری بر نقد ترجمه گذاشته است. مهمترین کتاب او "تجربه بیگانه" است که اهمیت ترجمه را از نظر رمانتیک‌های آلمانی بررسی کرده است.

آنتوان برمن مبداءگرا است و معتقد است که معنای زیبا زاییده فرمی زیباست بنابراین مترجم تنها با وفادار بودن به فرم می‌تواند معنا را انتقال دهد (مهدی پور ۵۸). او از جمله نظریه‌پردازان مبداء گرایی است که با گرایش متداول بومی سازی و تقبیح بیگانه سازی در فرآیند ترجمه به شدت مخالفت کرده است. (ماندی ۳۲۴) موضع گیری نظری برمن انتقادی است، البته نه انتقاد از مترجمین کلاسیک، بلکه از مترجمین معاصر (زنده بودی ۱۰۰). او می‌گوید "کنش ترجمه عبارت است از به رسمیت شناختن و پذیرفتن دیگری به منزله دیگری" (برمن ۸۸). به اعتقاد وی، در ترجمه هر متن بیگانه، باید حالت غریبگی‌اش در زبان مقصد را حفظ کرد و نباید در ترجمه تغییراتی به نفع زبان مقصد انجام داد (مهدی پور ۵۸) اخلاق ترجمه برمن توصیه می‌کند که بیگانه را در بیگانگی او پذیرا شوند. (زنده بودی ۱۰۹) و این جزء اصول لفظ گرایان است و از آن رهگذر می‌توان رد پای دیگری، شیوه سخن گفتن و حتی فرهنگ او را در متن مشاهده کرد. (همان ۱۱۱) گرچه برمن عوامل تحریف از متن را به سیزده مورد تقسیم کرده است اما مطابقت تمامی این موارد بستگی به نوع نثر و تعداد صفحات کتاب دارد. این عوامل عبارتند از: معقول سازی، شفاف سازی، اطباب، تفاخر گرایی، غنازدایی کیفی، غنازدایی کمی، همگون سازی متن، تخریب ضرب آهنگ، تخریب شبکه‌های دلالتی زیرین متن، تخریب سیستم‌بندی‌های متن، تخریب یا غیر بومی کردن شبکه‌های زبانی بومی، تخریب اصطلاحات و امحاء برهم نهادگی‌های زبان‌ها. با بررسی‌های به عمل آمده در آخرین ترجمه انجام شده کتاب بیگانه به مواردی برخوردیم که به زعم آنتوان برمن، مترجم با اعمال آن‌ها در فرآیند ترجمه، باعث تحریف متن اصلی می‌شود. در ادامه، کتاب مذکور را بر اساس هفت عامل از عوامل یاد شده که با متن اصلی هم خوانی داشته‌اند بررسی کرده، جملات به طور جداگانه با متن اصلی مقابله داده شده، عوامل هفت گانه این تحقیق تک تک در خلال ترجمه‌ها بررسی شده، نتایج به دست آمده با ذکر مثال بیان می‌شود. در نهایت به این سوال پاسخ می‌دهیم که آیا سیستم‌های انحرافی بیان شده از سوی برمن در نقد ترجمه‌های فارسی کاربرد دارد یا نه؟

بحث و بررسی

آلبر کامو نویسنده، فیلسوف و روزنامه‌نگار فرانسوی است. رمان "بیگانه" معروف‌ترین اثر اوست و بسیاری این نویسنده را با همین رمان می‌شناسند. قریب نه ترجمه فارسی از "بیگانه" در ایران منتشر کرده‌اند. نخستین ترجمه از این اثر را جلال آل احمد و علی اصغر خبره زاده در سال ۱۳۲۸ منتشر کردند. همچنین جلال الدین اعلم، محمدرضا پارسایار، خشایار دیهیمی، عنایت الله شکیباپور، پرویز شهدی، لیلی گلستان و هدایت الله میرزمانی و مهران زنده‌بودی از دیگر مترجمان این رمان مهم ادبیات قرن بیستم هستند. رمان "بیگانه" از بحث برانگیزترین رمان‌های قرن بیستم است و نقدهای متعددی درباره این اثر به زبان‌های فرانسوی و انگلیسی نوشته‌اند.

"مورسو" شخصیت اصلی این روایت از معروف‌ترین شخصیت‌های داستانی است. "بیگانه" روایت شخصیت درونگرایی به نام "مورسو" است. کارمند فرانسوی اهل الجزیره که از دروغ گفتن امتناع می‌ورزد. هر چند داستان روایت یک قتل و محاکمه قاتل است اما ظاهراً ربطی به داستان‌های معمول جنایی ندارد. داستان در دو بخش روایت می‌شود، فصلی روایت حضور مورسو بی‌احساس در مرگ مادرش است. او از طریق تلگرام متوجه مرگ مادرش می‌شود. همه شواهد رفتاری و شخصیتی او در مراسم تشییع جنازه مادر، خوردن قهوه و سیگار کشیدن و ارتباطش با ماری و در فصل دوم که روایت محاکمه او بخاطر کشتن مردی عرب می‌باشد در دادگاه علیه او استفاده می‌شود.

از دیگر آثار آلبر کامو می‌توان به "افسانه سیزیف" اشاره کرد که چندین بار به فارسی ترجمه کرده‌اند. برگردان محمدعلی سپانلو از معروف‌ترین ترجمه‌های فارسی این اثر است. علی صدوقی، اکبر افسری، محمود سلطانیه و شهلا شریعتمداری از دیگر مترجمان فارسی این کتاب هستند. "سیزیفگ" از اساطیر یونانی است و آلبر کامو با الهام گرفتن از این اسطوره یونان روایتی درباره "پوچی" خلق می‌کند. او برای نخستین بار در این مقاله مفهوم "بزورد" را به کار می‌گیرد و پس از آن این مفهوم در حوزه‌های دیگر اعم از تئاتر و سینما رواج پیدا می‌کند. این اثر ادبی - فلسفی در چهار بخش تدوین شده است و در بخش نخستین با عنوان "یک تعقل پوچ" به بحث درباره مساله پوچی می‌پردازد و در بخش‌های دیگر تحت عنوان‌های "انسان پوچ"، "خلقت پوچ"، "افسانه

سیزیف "دیدگاهش در این باره را بسط می‌دهد. او در خوانشی مدرن از اسطوره کهن سیزیف، این اسطوره را قهرمان پوچ می‌داند و می‌گوید: "هنگامی که سنگ سقوط می‌کند و سیزیف لحظه‌ای درنگ می‌کند و بر می‌گردد، این لحظه است که مرا به سیزیف علاقه مند می‌کند زیرا وی به شکنجه خویش و پوچ بودن کارش آگاه است!"

"کالیگولا" نمایشنامه تاثیرگذار و خلاقانه آلبر کامو است که در سال ۱۹۴۴ منتشر شد. این نمایش نامه را بارها بر صحنه‌های تئاتر جهان اجرا کرده‌اند و از موفق‌ترین نمایشنامه‌های قرن بیستم است و چندین بار در ایران نیز اجرا شده است؛ آتیلا پسیانی، مه‌بود مهرنوش، همایون غنی زاده، قطب‌الدین صادقی این اثر را کارگردانی کرده‌اند. ترجمه ابوالحسن نجفی از این اثر معروف‌ترین برگردان کالیگولاست. همچنین خسرو جمشید، پری صابری، شورانگیز فرخ از دیگر مترجم‌های این اثر کامو هستند.

"سقوط" یکی دیگر از رمان‌های آلبر کامو که نخستین ترجمه فارسی این اثر سال ۱۳۵۶ به قلم اصغر بهروز به فارسی منتشر شد. آناهیتا تدین، علی صدوقی، شورانگیز فرخ و امیر لاهوتی هم ترجمه‌هایی از این اثر آلبر کامو به دست دادند. این اثر سال ۱۹۵۶ منتشر شد. مانند دیگر آثار کامو درونمایه‌ای فلسفی دارد و در آن ژان باپتیست کلمانس وکیل مستعفی در بیانی اعترافی زندگی‌اش را برای غریبه‌ای باز می‌گوید. راوی داستان در رستوران "مکزیکو سیتی" با غریبه‌ای بنا می‌کند به شرح حال و زندگی‌اش. "آدم اول" زندگی نامه خودنوشت آلبر کامو است که پس از مرگش منتشر شد. این اثر با ترجمه منوچهر بدیعی از سوی نشر نیلوفر منتشر شده است. دست نوشته ناتمام آدم اول، اتوبیوگرافی‌ای که آلبر کامو در زمان مرگش روی آن کار می‌کرد، در گل و لای در محل تصادف پیدا شد. کاترین کامو، بعدها دست نوشته را به نسخه تایپی تبدیل کرد و آن را در سال ۱۹۹۴ منتشر کرد.

"انسان طاغی" نخستین بار با ترجمه مه‌بود پسیانی طلب در نشر قطره منتشر شد. همچنین ترجمه این اثر با عنوان "عصیانگر" به قلم مهستی بحرینی انتشار یافت. موضوع کتاب انسان طاغی بیشتر از اینکه فلسفی به نظر برسد، تاریخی می‌نماید، هدف این رساله بار دیگر، درک واقعیت امروز یعنی جنایت منطقی و بررسی تفصیلی استدلال‌هایی است که جنایت منطقی بر پایه آن‌ها به حیات خود ادامه می‌دهد، کوششی است برای فهم زمانه‌ای که در آن به سر می‌بریم.

1. Caligula

"عادل ها" از دیگر نمایش نامه های آلبر کامو است. این نمایش نامه به قلم محمدعلی سپانلو به فارسی ترجمه و منتشر شده است. وی این نمایش نامه کامورا در سال ۱۹۴۹ منتشر کرد. عادل ها داستان گروهی از انقلابی های روسی در سال ۱۹۰۵ میلادی است که تصمیم به کشتن دوک بزرگ به نام سرژ می گیرند. دوک نماد استبداد در حکومت تزاری روسیه بود

"سو تفاهم" دیگر نمایش نامه کامو است که سال ۱۹۴۳ در فرانسه تحت اشغال نوشته شده است. این نمایشنامه بر ایده پوچی کامو تاکید دارد. مرد داستان که سال ها در خارج زندگی می کرده به خانه بر می گردد تا خواهر و مادر بیوه اش را پیدا کند. به مهمان خانه ای می رود و صاحب مهمان خانه در پی دزدی از مسافر بر می آید و سرانجام به مرگ مرد منجر می شود. این اثر با ترجمه جلال آل احمد به فارسی منتشر شده است. همچنین "حکومت نظامی" و "تسخیرشدگان" از دیگر نمایشنامه های کامو هستند. وی با اقتباس از رمان تسخیرشدگان فنوودور داستایوفسکی، نمایش نامه ای به همین نام می نویسد.

"طاعون" (۱۹۴۷) دیگر اثر آلبر کامو است که در سال ۱۳۴۰ به قلم علی صدوقی به فارسی منتشر شد. پس از آن برگردان مترجم فقید رضا سیدحسینی از این کتاب در نشر نیلوفر منتشر شد. برگردان وی معروف ترین ترجمه "طاعون" به فارسی است و تاکنون بارها تجدید چاپ شده است. هم چنین عنایت الله شکیباپور، پرویز شهدی و اقدس یغمایی از دیگر مترجمان این کتاب هستند

آنتوان برمن مترجم و ترجمه شناس فرانسوی، تاثیر بسیاری بر نقد و مطالعات ترجمه گذاشته است. به زعم وی "ترجمه بد ترجمه ای است که معمولاً به بهانه انتقال پذیری، به انکار نظام مند غرابت اثر بیگانه می پردازد (احمدی ۴) و وفادار نبودن به شکل رمان نادیده انگاشتن نوع رابطه با فرهنگ دیگری است (زنده بودی ۱۰۰). از دیدگاه برمن بد ترجمه کردن یک رمان یا یکنواخت سازی آن، یعنی در واقع عدم توانایی ارتباط با بیگانه و زبانی که آن صورت (داستان) بیانگر آن است. (احمدی ۵) در همین راستا سیزده گرایش را با عنوان گرایش انحرافی مطرح می کند و برای حفظ حالت نامانوس بودن متن و پرهیز از مقدس انگاری زبان مادری مترجمان را ملزم به رعایت آن ها می داند.

معقول سازی^۱

در این مورد مترجم بر حسب برداشتی که از نظم گفتار دارد تغییراتی در آن اعمال می‌کند و این تغییرات به ساختار جمله برمی‌گردد و به عنوان مثال تکرارها را حذف می‌کند، عبارات موصولی و اسم مفعول بیشتر به کار می‌برند یا به عبارات بی فعل، فعل اضافه می‌کنند. رایج‌ترین تغییر، تغییر در سجاوندی بدون توجه به منظور نویسنده است. (زنده بودی ۱۰۱) در نتیجه شاهد تغییراتی در ساختار نحوی و شیوه علامت‌گذاری متن مبدا خواهیم بود. برمن این فرآیند را تحریف قلمداد می‌کند و آن را رد می‌کند. با بررسی ترجمه کتاب بیگانه به تحریفاتی از دیدگاه برمن برخوردیم که مترجم سعی در معقول‌سازی داشته است که در ادامه به عنوان نمونه به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم.

الف) تغییرات نحوی: در این مورد به دلیل متفاوت بودن ساختار نحوی دو زبان فارسی و فرانسه با یکدیگر، ترکیب جملات یا ساختارهای نحوی آنها دستخوش تغییرات می‌شود.

Il reposait sur le dos, les mains sous la nuque, le front dans les ombres du rocher, tout le corps au soleil.

دستانش زیر گردنش بود، پیشانی اش زیر سایه صخره و تمام بدنش زیر نور آفتاب بود و به پشت دراز کشیده بود.

جمله "به پشت دراز کشیده بود" در متن اصلی در جایگاه اول قرار دارد و مترجم بدون توجه به هدف و منظور نویسنده آن را در آخر جمله قرار داده است در حالی که نیاز به چنین تغییری نبود و بدون اعمال چنین تغییری می‌توانست جمله‌ای روان از نظر ساختار فارسی به مخاطب ارائه دهد.

Elle est partie¹ pendant qu'un homme entrait², le chapeau à la main³, et prenait sa place^۴.

پیرزن در حین اینکه مردی کلاه به دست^۳ وارد شد^۲ و داشت جایش را می‌گرفت^۴،

1. a rationalisation

آن جا را ترک کرد.^۱

در این مثال نیز تغییر توالی عبارات در متن ترجمه شده به وضوح به چشم می خورد. هر زبانی دارای ساختاری خاص است که پیش و پس کردن جمله ها توسط مترجم سبب تخریب ساختار زبان مبدا می شود.

ب) تغییراتی که مترجم بنا بر سلیقه خود در متن مبدا ایجاد می کند و اجباری نیست. Cependant, le pavé était gras, les gens rares et pressés encore

با این وجود سنگ فرش خیابان گلی بود. آدم های توی پیاده رو را می شد شمرد. همگی عجله داشتند.

در این مثال اگر مترجم بدون مجزا کردن جملات ، آنها را ترجمه می کرد در فهم جملات مشکلی به وجود نمی آمد و تغییرات اعمال شده ظاهرا از سر ذوق بوده نه اجبار.

ج) قرار گرفتن مرجع سخن بعد از خود سخن: گاهی ساختار نحوی زبان فرانسه ایجاب می کند که مرجع بعد از خود سخن قرار گیرد حال آنکه زبان فارسی چنین ساختاری را ندارد و ابتدا مرجع سخن و به دنبال آن سخن می آید. در نتیجه نمی توان به مترجم بخاطر اعمال چنین تغییری خورده گرفت چرا که این ساختار زبان فرانسه در زبان فارسی معقول به نظر نمی آید و امکان استفاده از این ساختار نحوی در زبان فارسی وجود ندارد چون زبانها نسبی هستند و انطباق صد در صد آنها با هم امکان پذیر نیست.

a dit le directeur. "M.Morsaut "

مدیر گفت: " آقای مورسو هستند."

a-t- il remarqué."C'est une question d'humanité"

مدیر گفت: " پای انسانیت در میان است."

۴) افزودن فعل به عبارات بدون فعل :

J'ai dit : " Naturellement"

جواب دادم: " بالطبع همین گونه است"

در اینجا مترجم نقل قولی را که از یک قید تشکیل شده، به یک جمله تبدیل کرده است. شاید بهتر می‌نمود که مترجم آن را به همان صورت قیدی خود یعنی "طبیعتاً" ترجمه می‌کرد و نیازی به افزودن فعل نبود.

۲) شفاف سازی^۱

شفاف‌سازی در سطح معنا اطلاق می‌شود و هدف آن روشن ساختن آن چیزی است که نویسنده نمی‌خواهد روشن بماند. (زنده‌بودی ۱۰۱) در واقع مترجم با افزودن کلمات جدید، دست به شفاف‌سازی ابهامات می‌زند که در بیشتر موارد، ضروری نمی‌نماید، چراکه معمولاً ابهامی در کار نیست که نیاز به روشن‌گری باشد. در واقع غالب اوقات اینگونه فرض می‌شود که اگر هم ابهامی باشد خواست نویسنده این بوده و قطعاً از این کار قصدی داشته است. افزودن بر متن مبداء، پا را از ترجمه بیرون گذاشتن است و صلح جو این افزوده‌ها را به "ترجمه ناگفته‌ها" تعبیر کرده است (محمد مرادی ۵۹). در مثال‌های زیر مترجم بدون در نظر گرفتن قصد نویسنده، شفاف‌سازی‌های غیر ضروری را اعمال کرده است.

Nous avons suivi les porteurs...

به دنبال حاملین تابوت راه افتادیم..

Ainsi je pourrai veiller...

بدین‌سان می‌توانم شب بر جسد مامان بیدار بمانم..

C'est votre mère qui est là?

مادرتان توی تابوت است.

در این جملات اگر چه اضافه شدن "تابوت" و "شب بر سر جسد مامان" به فهم بیشتر خواننده کمک می‌کند اما به نظر می‌رسد که بدون این کلمه‌ها علاوه بر پرهیز از تحریف، خللی در فهم خواننده ایجاد نمی‌شود چرا که اولاً اگر خواننده صفحات قبل را خوانده باشد و در جریان ماجرا باشد می‌داند این جملات به چه چیز اشاره دارند و بهتر بود به تبعیت از متن اصلی، در ترجمه به این کلمات اشاره نمی‌شد. در ثانی اگر نیازی به

1. La clarification

ابهام زدایی بود خود نویسنده این کار را انجام می داد.

La banquette de tramway était tout entière tournée vers le président.

آن‌هایی که روی نیمکتی که شبیه نیمکت تراموای بود نشسته بودند، رو به سوی رئیس دادگاه داشتند.

در این جمله مترجم به جهت شفاف سازی جمله را کاملاً به شیوه تفسیری ترجمه کرده است. بعلاوه جمله به حالت مجهول است در حالی که بصورت جمله معلوم ترجمه شده است.

۳) اطناب^۱

این گرایش در واقع توضیح یا همان روشن سازی است (زنده بودی ۱۰۱) و کاملاً طبیعی است که هر متن ترجمه‌ای از اصل آن طولانی‌تر باشد اما در این رمان مترجم به غیر از چند مورد از اطناب استفاده چندانی نکرده است و متن ترجمه چندان طولانی‌تر از متن اصلی نشده است. برمن معتقد است که مترجم ایده " فشرده" متن مبدا را باز می کند و این کار را "تهی‌شده‌گی" می نامد که تاثیری در غنا بخشیدن به جان کلام ندارد. (صمیمی ۴۸) و این فرآیند حاصل عقلایی سازی و شفاف سازی است. و تنها مترجم حجم خام متن را افزایش می دهد بی آنکه به بار معنایی و گفتاری متن بیافزاید (احمدی ۷) به چند نمونه از این موارد توجه بفرمائید:

Quelquefois aussi, quand la conversation était d'ordre général, on m'y mêlait.

برخی اوقات هم برای خالی نبودن عریضه، وقتی گفتگوی‌شان جنبه‌ای کلی‌تر به خود می گرفت، مرا نیز شرکت می دادند.
در مثال بالا " برای خالی نبودن عریضه" اضافه شده که در صورت حذف آن آسیبی به معنای جمله نمی رسد.

Il y avait beaucoup de jeunes gens.

افراد جوان و کم سن و سال زیادی آن‌جا بودند.

در این مثال مترجم گرایش به ارائه چند معادل برای یک واژه دارد "افراد جوان و

1.L'allongement

کم سن و سال "jeunes gens" → " و این سبب شده که جمله ترجمه از جمله اصلی طولانی‌تر باشد.

D'avoir fermé les yeux, la pièce m'a paru encore plus éclatante de blancheur.

چشم‌هایم را که گشودم، به خاطر این که مدتی بسته بودند، نور اتاق را شدیدتر و زنده‌تر یافتم.

در این مثال "چشم‌هایم را که گشودم" اضافه شده است که درست و بجاست و سبب شده جمله از نظر زبان فارسی کامل‌تر باشد اما بر اساس سیستم تحریف برمن اضافه شدن این جمله فقط حجم جمله را می‌افزاید و او با تاکید بر جمله معروف خود که "l'ajout n'ajoute rien" (افزوده هیچ نمی‌افزاید) مترجمان را از این امر بر حذر می‌دارد چرا که از دیدگاه او اطناب پایه زبان شناسی ندارد (مهدی پور ۶۰) و حاصل دو مرحله پیشین یعنی معقول سازی و شفاف سازی است.

J'ai dit "oui"

مختصر و مفید گفتم "بله"

در اینجا نیز مترجم گروه قیدی "مختصر و مفید" را اضافه کرده است، درحالی که در متن فرانسه چنین عبارتی نیست. با توجه به معناگرا بودن مترجم و توجه خاص وی به فرهنگ خودی بر خلاف برمن، گرایش مترجم به روان بودن و مطابقت هر چه بیشتر متن ترجمه شده با زبان فارسی در اینجا کاملاً مشهود است. بدیهی است که ترجمه علاوه بر درست و قابل درک بودن می‌بایست رنگ و بوی ترجمه نیز نداشته باشد و فرآیند ترجمه طوری طبیعی انجام گیرد که گویی تالیف است نه ترجمه. و مترجم این مساله را مد نظر قرار داده و با آوردن قیدها در کنار یکدیگر می‌خواهد بهتر ترجمه رنگ و بوی زبان فارسی ببخشد چرا که در زبان فارسی استعمال این گونه ترکیب‌های قیدی طبیعی است.

۴. تفاخر گرایی^۱

عبارت است از خلق جمله زیبا بر پایه متن مبدأ (زنده بودی ۱۰۲) از دیدگاه برمن آراسته سازی ترجمه نیست بلکه نوعی مشق سبک است. (احمدی، ۷) برمن این گرایش را گرایشی افلاطونی می‌خواند و آن را نتیجه کار مترجمانی می‌داند که متن مقصد را از لحاظ فرم و شکل زیباتر از متن اصلی در می‌آورند. (مهدی پور، ۶۰)

در مقابله متن اصلی با متن ترجمه به مواردی برخوردیم که مترجم گاه سطح زبانی پایین‌تر و گاه بالاتر از متن اصلی را به جهت زیبا سازی متن ترجمه برگزیده است. در جملات زیر مترجم سطح زبانی پایین‌تری را نسبت به متن اصلی انتخاب کرده که این امر به بهانه زیباتر کردنش سبب تغییر فرم و سبک داستان می‌شود و گاهی مترجم را از انتقال درست معنا دور می‌کند و او را به سمت عامیانه کردن داستان می‌کشد.

Immédiatement il a répondu...

مثل فرفره پاسخ داد..

"مثل فرفره پاسخ دادن" یعنی سریع و بی‌درنگ پاسخ دادن و معادل "immé- diatement" در نظر گرفته شده که با توجه به زبان کل متن، معادل فارسی بالا کمی پایین‌تر از سطح کلی داستان می‌نماید شاید معادل زیر مناسب‌تر باشد.

بی درنگ پاسخ داد..

J'ai erré dans l'appartement

در آپارتمان ول گشتم.

در این مثال "erré" اسم مفعول فعل "errer" است که به معنای "سرگردان بودن، ول گشتن و پرسه زدن" است. معادل فارسی انتخابی محاوره‌ای‌تر از متن فرانسه است و بهتر بود مترجم از معادل "سرگردان بودن" استفاده می‌کرد که علاوه بر زیبا شدن متن، ترجمه در دام عامیانه شدن نیفتد.

در مثال‌های زیر مترجم لحن گفتار را بالاتر از آنچه در متن اصلی هست به جهت زیبایی بخشیدن بدان بکار برده است.

La nuit déjà noire au-dessus des arbres et des lampes.

1. L'ennoblissement

شب به همین زودی بر فراز درخت‌ها و چراغ‌ها چتر سیاه خود را افکنده بود.
"شب..چتر سیاه خود را افکنده" بجای "la nuit déjà noire" از نظر صورت و
زیباشناختی آراسته‌تر از متن اصلی است و بیشتر ساختاری شاعرانه و کلاسیک را به
ذهن تداعی می‌کند.

Il y a huit ans que cela dure.

هشت سال آزرگار است که همین آش است و همین کاسه.
در این مثال نیز مترجم از بیانی زیباتر نسبت به متن اصلی استفاده کرده است و
ضرب‌المثل "همین آش است و همین کاسه" را که کنایه از ثابت بودن وضعیت کما فی
السابق است را به متن افزوده و جمله ساده فرانسه را که عاری از هرگونه ضرب‌المثل و
اصطلاح است، بصورت زیباتر به فارسی ترجمه کرده است بطوری که مترجم با انتخاب
معادل بالا به جمله رنگ و بوی زبان فارسی بخشیده است. شاید یک معادل در سطح
معمول گفتار مناسب تر باشد. مثلاً:
هشت سال است که وضعیت به همین منوال است.

تخریب ضرب آهنگ متن^۱

تغییر در نشانه‌گذاری متن اصلی آن را موجب می‌شود. (صمیمی ۴۶) یک متن ممکن
است ساختار آوایی ویژه‌ای داشته باشد و در آن، بر کلماتی خاص تکیه شود یا بر روی
کلماتی درنگ و توقف گردد و این تاکید و توقف‌ها، به آن متن معنایی خاص ببخشد
که در این صورت لازم است که در ترجمه مورد توجه قرار گیرد. (مرادی ۵۷) برمن بر
نشانه‌گذاری توجه ویژه دارد و معتقد است که هر گونه تغییر در علائم نگارشی سبب
تغییر در ضرب آهنگ متن اصلی و در نتیجه تحریف می‌شود.

Lui aussi m'a dit, en parlant de Salamano: " si c'est pas malheureux!"

او هم درباره سالامانو اظهار نظر کرد که آیا مایه بدبختی نیست.
در این مثال "!" حذف شده است و عبارت متن اصلی که نقل قول مستقیم است

1. La destruction des rythmes

بصورت نقل قول غیر مستقیم ترجمه شده است در نتیجه علامت تعجب نیز که در آخر جمله متن اصلی قرار دارد حذف شده است. در اینجا لازم نبود که مترجم این تغییرات را اعمال کند چرا که جمله‌ای پیچیده نبود و بدون تغییرات نیز می‌توانست آن را به فارسی برگرداند و قطعاً نویسنده از بیان جمله به این صورت قصدو نیتی داشته که توسط مترجم نادیده انگاشته شده است.

Entre ma paillasse et la planche du lit, j'avais trouvé, en effet, un vieux morceau de journal presque à l'étoffe, jauni et transparent.

بین تشک و چوب تختخوابم یک تکه کاغذ روزنامه قدیمی پیدا کرده بودم که به پارچه چسبیده بود. زرد رنگ و رنگ پریده بود.

عدم رعایت علائم سجاوندی باعث تخریب ریتم جمله می‌شود در جمله کامو چهار ویرگول و یک نقطه وجود دارد در حالی که در ترجمه زنده بودی تنها دو نقطه مشاهده می‌شود. این موارد نشان می‌دهد که فرآیند ترجمه باید با تعدیل - از تعدیل واژگانی گرفته تا گفتمانی - همراه باشد (صلح جو ۵۲) اما از نظر برمن هر گونه فاصله گرفتن از متن مبدا تحریف و مذموم شمرده می‌شود.

تخریب سیستم‌بندی‌های متن'

این رویکرد بیشتر جنبه دستوری دارد و نوع جملات، ترکیبات به کار رفته و زمان افعال را در بر می‌گیرد. برمن معتقد است که "عقلایی‌سازی"، "شفاف‌سازی" و "اطناب" سیستم زبانی را به هم می‌ریزد و باعث می‌شود متن ترجمه شده همگون‌تر از متن اصلی و در عین حال "نا منسجم‌تر، بی‌ثبات‌تر و ناهمگون‌تر" از آن باشد (مهدی بور ۶۲)

Il n'avait pas été heureux avec sa femme. . .

در کنار زنش احساس خوشبختی نمی‌کرد..

در اینجا مترجم ماضی بعید فعل بودن (être) را به ماضی استمراری ترجمه کرده است که ارزش زمانی فعل نادیده انگاشته شده است.

ترجمه پیشنهادی: در کنار همسرش خوشبخت نبوده است. (احساس

1. La destruction des systématismes

خوشبختی نمی‌کرده است).

Il avait été suivi toute la journée par un groupe d'Arabe parmi lesquels se trouvait le frère de son ancienne maîtresse.

چند عرب که در میان آنها برادر معشوقه‌اش نیز بود، او را تعقیب می‌کردند. جمله اصلی مجهول است و مترجم آن را به صورت معلوم ترجمه کرده است. در اینجا بیشتر تاکید روی عمل تعقیب شدن است اما مترجم بدون در نظر گرفتن این امر اهمیت بیشتر را به افرادی که این عمل را انجام می‌دادند، داده است.

تخریب اصطلاحات^۱

با جایگزین کردن اصطلاحات یا ضرب‌المثل‌های متن اصلی، با معادل‌های آن در متن مقصد صورت می‌پذیرد و در کل باعث تخریب گفتمان متن اصلی می‌شود. (مهدی پور ۶۲) از نظر برمن، صنایع لفظی، عبارات، ضرب‌المثل‌ها و غیره که در واقع منتج از زبان بومی هستند در زبان‌های دیگری نیز عناصر متناظر خود را می‌یابد. (احمدی ۱۳) و ترجمه به معنای تلاش برای یافتن معادل نیست. (Berman ۶۵). او می‌گوید: "هر نثری آکنده از ایماژها، اصطلاحات، پیچ و خم‌های کلامی و ضرب‌المثل‌ها و است." و ترجمه آن‌ها به معنای یافتن معادل‌هایی در زبان مقصد نیست و معادل اصطلاحات و ضرب‌المثل‌ها را جایگزین مناسبی برای آن‌ها نمی‌داند. (مهدی پور ۶۳) مثال:

" Cela pouvait me jouer un très sale tour"

دست او را در پوست گردو خواهد گذاشت.

در این مثال زنده‌بودی برای اصطلاح " cela pouvait me jouer un très sale tour" معادل مناسبی را برگزیده است و از لحاظ معنایی کاملاً به آن نزدیک است اما این عمل از دیدگاه برمن تحریف از متن اصلی محسوب می‌شود. البته پرهیز از این انحراف از متن با توجه به متفاوت بودن فرهنگ‌های دو زبان امری دشوار است و از سویی دیگر هر زبانی اصطلاحات خاص خود را دارد و ترجمه‌کردن آنها در فرهنگ

1. La destruction des locutions

مقصد امری پذیرفته نشده و حتی غیرممکن است.

در مثال‌های بالا به طور واضح دیدیم که مترجم بارها و بارها اسیر گرایش‌های انحرافی آنتوان برمن که نشانه تعلق خاطر او به متن مبدا می‌باشد، شده است بنابراین همانگونه که قبلاً گفته شد آشنایی با نظریات ترجمه سبب می‌شود که مترجم طبق اصولی خاص ترجمه کرده و در نتیجه ترجمه‌ای با اشتباهات کمتر و نزدیک به اصل ارائه دهد. مقصود از ترجمه نزدیک به اصل، ترجمه به اصطلاح واژه به واژه نیست (افشاری ۱۷۱) بلکه ترجمه‌ای که معنا را بطور کامل منتقل کرده باشد. بوئس می‌گوید: "ویژگی ترجمه خوب زیبایی نیست، بلکه درجه‌ای است که در آن سادگی محتوا و خصوصیات دقیق واژه‌ها حفظ شود." (Zendehboudi 77) پروژه ترجمه‌شناسی برمن بر دو اصل استوار است دیگری و اخلاق، و مترجم محور کار نقد اوست. برمن لفظ را ترجیح می‌دهد و بدان جنبه تقدس می‌بخشد (زنده بودی ۱۰۹). او توصیه می‌کند که بیگانه را با حفظ ویژگی‌های بیگانه‌گیش پذیرا باشیم و در این راستا اصولی را مطرح کرده بود که با وجود کاربردی بودن برخی از این اصول، گاه به علت تفاوت‌های فرهنگی و ساختاری دو زبان امکان رعایت کردن تمام آن‌ها وجود ندارد. چرا که برخی از این اصول کمال‌گرایانه بود و مترجم ناگزیر به رعایت نکردن آن‌ها است و اگر مترجم سعی در اعمال سیستم انحرافی آنتوان برمن داشته باشد ترجمه‌ای مصنوعی و لفظ به لفظ در اختیار مخاطب قرار می‌گیرد که از دیدگاه مخاطب می‌تواند ناملموس و حتی پذیرفته نشده باشد. مثلاً یکی از اصولی که برمن بر آن تاکید می‌کند این است که اصطلاحات و ضرب‌المثل‌ها همانگونه که هستند ترجمه شوند و دنبال معادل برای آن‌ها در زبان مقصد نباشیم که این مساله امکان‌پذیر نیست چرا که هر ضرب‌المثلی در فرهنگ زبانی که بدان تعلق دارد دارای معنا می‌باشد و در زبانی دیگر اگر تنها الفاظ را جایگزین کنیم نمی‌تواند مقصود اصلی گوینده را از بیان آن منتقل کند. اما می‌توان از آرا برمن برای تعیین میزان تحریف ترجمه نسبت به متن اصلی استفاده کرد و زمینه را برای نقد اثر فراهم کرد.

نتیجه‌گیری

ترجمه در دنیای ارتباط محور امروز امری بدیهی و حتی لازم است. پر واضح است که هیچ ترجمه‌ای بمانند متن اصلی نیست و معمولاً با نواقصی همراه است. مترجم به

عنوان واسط بین دو زبان می‌بایست تمام همت خود را برای برطرف کردن این نواقص بکار گیرد. و یکی از راه‌های مقابله با این نواقص بهره‌گیری از نظریات در باب ترجمه است. سیستم تحریف متن آنتوان برمن بر سیزده اصل استوار می‌باشد که بر طبق هفت گرایش انحرافی جدیدترین ترجمه از کتاب بیگانه آلبر کامو را که توسط مهران زنده‌بودی انجام شده بود مورد بررسی قرار دادیم و نتایج بدست آمده نشان می‌دهد که مترجم بارها اسیر این گرایش‌های انحرافی شده است. مترجم به خاطر تفاوت‌های ساختاری دو زبان فارسی و فرانسه ناگزیر از فرآیند "معقول سازی" بوده است متن در مواردی غیر ضرور "شفاف سازی" شده بود که بهتر بود از آن پرهیز می‌شد. فرآیند "اطناب" هم در این ترجمه وجود داشت که جزء لاینفک ترجمه است و حاصل دو فرآیند پیشین است. مترجم از "تفاخر گرایی" استفاده کرده است و گاهی سطح زبانی بالاتر از متن اصلی و گاهی پایین تر را برگزیده است. "تخریب ضرب آهنگ" و "تخریب سیستم‌بندی‌های متن" و "تخریب اصطلاحات" نیز از انحرافات بود که مترجم در ترجمه کتاب بیگانه مرتکب شده بود. سیستم انحرافی برمن بسیار کمال‌گرایانه است و او اصولی را مطرح می‌کند که اگر مترجم خود را ملزم به اعمال آن بداند، ترجمه‌ای لفظ به لفظ و گاهاً ناملموس ارائه می‌دهد اما منتقدین می‌توانند با بهره‌گیری از این گرایش‌های انحرافی میزان تفاوت متن مبدا و مقصد را بیان کنند. امید است که مترجمین با بهره‌گیری از نظریات ترجمه بتوانند ترجمه‌هایی نزدیک به متن مبدا از لحاظ معنایی و با درصد خطای کمتری را به مخاطب ارائه دهند.

منابع

- افشاری، مهدی. *سی سال ترجمه، سی سال تجربه*. تهران: انوار دانش، ۱۳۷۷.
- احمدی، محمد رحیم. "آنتوان برمن و نظریه "گرایش های ریخت شکنانه" معرفی و بررسی قابلیت کاربرد آن در نقد ترجمه." *نقد زبان و ادبیات خارجی*، سال ششم، شماره ۱۰ (۱۳۹۲): ۱-۲۱.
- رضایی اصفهانی، محمد علی. *منطق ترجمه قرآن: قواعد، روش ها، سبک ها، آسیب شناسی ترجمه و شرایط مترجم*. قم: مرکز جهانی علوم اسلامی، ۱۳۸۶.
- رهسپار کوشکی، مهرداد. "بررسی ترجمه های فارسی آلبر کامو". *مفته نامه صدا*، ۵ بهمن ۱۳۹۴. ۳۰ مهر ۱۳۹۵
- " بررسی-ترجمه-های-فارسی-آثار-آلبر-کامو-//www.bartarinha.ir/fr/ http://www.bartarinha.ir/fr/news/۲۸۸۹۰۸/".
- زنده بودی، مهران. *جستارهایی پیرامون ترجمه شناسی*. مشهد: انتشارات محقق، ۱۳۹۴.
- کامو، آلبر. *بیگانه*. مهران زنده بودی. مشهد: انتشارات محقق، ۱۳۹۴.
- صفا زاده، طاهره. *اصول و مبانی ترجمه*. تهران: پارس کتاب، ۱۳۸۹.
- صلح جو، علی. *گفتمان و ترجمه*. تهران: نشر مرکز، ۱۳۷۲.
- صمیمی، محمد رضا. "بررسی ترجمه داستان "تپه هایی چون فیل های سفید" بر اساس سیستم تحریف متن آنتوان برمن". *کتاب ماه ادبیات*، شماره ۶۵ (۱۳۹۱): ۴۹-۴۴.
- ماندی، جرمی. *درآمدی بر مطالعات ترجمه*. الهه ستوده، فریده حق بین، تهران: نشر علم، ۱۳۸۹.
- مرادی، محمد. "چند و چون ترجمه". *فصلنامه پژوهش و حوزه*، شماره ۳۷ (۱۳۹۰): ۸۶-۴۷.
- منصوریان، یزدان. "صد ویژگی کتاب های دانشگاهی کارآمد اثر بخش". *پژوهش و نگارش کتب دانشگاهی*، شماره ۲۹ (۱۳۹۲): ۱۷-۱.
- مهدی پور، فاطمه. "نظری بر روند بیدایش نظریه های ترجمه و بررسی سیستم تحریف متن از نظر آنتوان برمن". *کتاب ماه ادبیات*، شماره ۴۱ (۱۳۸۹): ۶۳-۵۷.
- نیومارک، پیتر. *دوره ی آموزشی فنون*. منصور فهیم و سعید سبزیان. تهران: انتشارات رهنما، ۱۳۷۲.
- Berman, Antoine. *La traduction et la lettre ou l'auberge du lointain*. Paris: Seuil, 1991.
- Wills, Wolfram. "berstzungswissenschaft: probleme und methiden".

Stuttgart:Ernstklettverlag, 1977.

Zendehboudi, Mehran.*La traductologie française*. Mashhad:Mohaghegh, 2008.